



گالبریث یارولینگ مساله این است

#

فرهیختگان | اصلا این هم یکی از کارهای جالبی است که جی.کی. رولینگ انجام می‌دهد و با اسم مستعار رمان می‌نویسد. او خالق کتاب‌های «هری پاتر» است و برای نوشتن آنها کلی اعتبار کسب کرده است. بار سوم است که رولینگ با اسم مستعار ریچارد گالبریث می‌نویسد. او رمانی کارگاهی نوشته با نام «شغل شیطان» که در پاییز روانه بازار نشر می‌شود. «نواي فاخته» و «کرم ابریشم» دو جلد قبلی این مجموعه رمان هستند. البته وقتی کشف شد که گالبریث همان رولینگ است فروش رمان‌هایش رشد چشمگیری یافت و هیچ بعید نیست گالبریث رکورد رولینگ را بزند. رولینگ شروع کرده تا قسمت چهارم این رمان‌ها را هم بنویسد.

نگاهی به مجموعه شعر «یک جنگل مداد حرف داشتیم اگر...»

عکاسی با کلمات



یعقوب حیدری

yaghoobh@fdn.ir

حرف ششم ۱.

«فراموش کردن تو / توهم سرباز خسته‌ای مست / که خیال می‌کند / چون جای زخمی روی تنش نیست / سالم به خانه بازگشته است»؛ این اولین شعر مریم نوابی نژاد در کتابی است به نام «یک جنگل مداد حرف داشتیم اگر...» که توسط انتشارات مروارید به چاپ رسیده است. خواندن اولین شعر این مجموعه نشان می‌دهد که اشعاری جدی، کوتاه و البته صمیمانه پیش روی ماست. صدای بی تکلف و آشنای شاعری در شعرهای این کتاب شنیده می‌شود که صادقانه احساساتش را به کلمه درآورده و بر کاغذ نشانده است. شاعر برای بیان آنچه می‌اندیشد راه دوری نمی‌رود، بی‌جهت تقلا نمی‌کند و به تعبیر غلو آمیز پناه نمی‌برد، بلکه به ساده‌ترین کلمات و صمیمانه‌ترین بیان اعتماد می‌کند تا شعرش را روی کاغذ بیاورد.

سادگی بیان در این مجموعه خبر از شاعری می‌دهد که ذهنی سبیل و ممتنع دارد؛ سبیل از آن جهت که نوابی نژاد گرفتار تعبیر سخت شاعرانه و صناعات پیچیده ادبی نمی‌شود و زبانی امروزی و گفتاری ساده و البته استوار و پالوده‌شده دارد. همچنین ممتنع از این نظر که هر از گاهی در سراسر کتابش، دست روی مضامین جدی و مفاهیم عمیق بشری و اتفاقات مهم امروزی از جمله عشق، تنهایی، زن و جنگ می‌گذارد و آن را به ساده‌ترین بیان /بیابرای یک‌بار هم که شده /به نرفتن فکر کنیم.

از نگاه نوابی نژاد «شعر چیزی نیست جز مکثی کوتاه در به‌هم ریختگی روز اثاث کشی از پیدا کردن دکمه پیراهن کسی که سال‌هاست از آن خانه رفته است». همین نگاه سبب شده تا در این مجموعه با شعرهایی بی تکلف و اتفاقات شاعرانه‌ای مواجه باشیم که بزرگ‌شده نیست و لحظاتی بکر و دوست‌داشتنی و مفاهیمی قابل تأمل، ملموس و قابل قبول را پیش روی خواننده می‌گذارد.

مریم نوابی نژاد در شعرهای کوتاهش موفق‌تر از سروده‌های بلند عمل کرده است. ایجازی که در شعرهای کوتاهش جاری است آن را به بیانی مختصر و مفید سوق داده و به نظر می‌رسد که او در سروده‌های کوتاهش همچون عکاسی زبردست و باتجربه چشم‌انداز دلنشین تری را رو به‌روی خواننده قرار می‌دهد؛ چشم‌اندازی که شعرهای بلند این مجموعه از آن کم‌بهره است.

کافه نشریه

اعتراض رهبر سابق ارکستر ملی

به ادغام ارکستر سمفونی تهران

فخرالدینی: ادغام به نفع ارکستر هانیست



گروه ادب و هنر | زمانی پیروز ارجمند مدیر کل دفتر موسیقی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی از تعطیلی ارکستر ملی و ارکستر سمفونی تهران در دولت گذشته گله کرده و گفته بود: «ارکستر ملی و ارکستر سمفونی تهران سرمایه فرهنگی و هنری کشور هستند که در دوره‌های گذشته به عمد تعطیل شدند.» بر همین اساس تلاش‌ها صورت گرفت تا بالاخره این ارکسترها کارشان را از سر بگیرند اما این دو ارکستر علی‌رغم وعده‌های داده شده در هم ادغام شد و رهبری این ارکستر را هم علی رهبری به عهده گرفت.

همین است که فرهاد فخرالدینی که در سال ۱۳۷۷ ارکستر ملی را پایه‌گذاری کرده بود زبان به اعتراض گشوده و گفته است: «از همان ابتدا که با من درباره طرح ادغام ارکسترهای ملی و سمفونیک تهران صحبت‌هایی شد، به‌شدت مخالفت کردم.» اما کسانی که با فخرالدینی مشورت کرده‌اند گویا با طرح‌های او راضی نشده‌اند و تصمیم به تلفیق گرفته‌اند اما رهبر سابق ارکستر ملی در گفت‌وگویی که با مهر داشته می‌گوید اصلا قرار نبوده چنین اتفاقی رخ دهد. علی رهبری که این روزها رهبری «ارکستر سمفونیک ملی ایران» را به عهده گرفته درباره تلفیق انجام شده در نشست رسانه‌ای که ۵ اردیبهشت برگزار شد گفت: «ما به این نتیجه رسیدیم که یک ارکستر واحد با نام «ارکستر سمفونیک ملی ایران» داشته باشیم که به‌طور طبیعی وقتی چنین فضایی ایجاد شود، به دلیل افزایش ساعت کار، حقوق افراد نیز بالاتر می‌رود.

اما باید مراقب باشیم که در چنین فضایی با یک برنامه‌ریزی منظم و هم‌زمان با برادرهای شش ماهه‌ای که برای ارکستر سمفونیک تهران نوشته شده بود، کار را ادامه دهیم.» اما فرهاد فخرالدینی در اعتراض به این تلفیق دلایل خودش را برای ادغام نشدن دارد: «طی این مدت جلسه‌های زیادی برگزار کردیم و من نیز با منطقی که برای خودم داشتم و تصور می‌کنم با توجه به سابقه کاری من منطقی درستی باشد، به دوستان گفتم ایجاد و ادغام چنین فضایی به نفع ارکسترها نیست. من نمی‌دانم ترکیب جدید به چه شکلی خواهد بود، اما تاکید می‌کنم ارکسترهای تخصصی فضای تخصصی خود را طلب می‌کنند. این موضوع را کسی می‌گوید که سابقه حضور در ارکسترهای متعدد با هنرمندان بزرگ موسیقی این سرزمین را دارد و به نوعی بنیانگذار ارکستر ملی ایران بعد از انقلاب است.» احیای ارکستر ملی یکی از وعده‌های حسن روحانی بود.

با این همه فرهاد فخرالدینی درباره تصمیمات اتخاذ شده می‌گوید: «متأسفانه دوستان به تمامی وعده‌هایی که به من داده بودند عمل نکردند و فکر می‌کردم وعده رئیس جمهوری کشورمان که در دیدار با هنرمندان تاکید داشتند ارکسترهای ملی و سمفونیک تهران به صورت مجزا و مستقل کار خود را آغاز کنند، عملی نشد و ماجرا شکل دیگری به خود گرفته است.

به هر حال در این چند روز دوستان زیادی تماس گرفتند و می‌خواستند پاسخگوی فضای ایجاد شده باشم اما به اعتقاد من آقای مرادخانی معاون هنری باید به این شبهات و موارد پاسخ بدهند. اگر بخواهم صادقانه جواب بدهم باید بگویم من واقعا نمی‌دانم در پس پرده چیست که به یکباره چنین تصمیمی اتخاذ می‌شود.»

ادب و هنر

www.Farheekhtegan.ir

Tue | 28 Apr 2015 | vol.07 | No. 1648

سه شنبه ۸ اردیبهه ۱۳۹۴ | ۹ رجب ۱۴۱۵ | شماره ۱۶۴۸



گفت‌وگو با علی اوجی

به بهانه حضور در سریال «در حاشیه»

مدیری پروفیسور کمدی است



مهراو ابیدی دوست

m1.abadidost@fdn.ir



به بازیگری فکر نمی‌کردم

بازیگری اتفاق ویژه‌ای است و کاری بسیار سخت. بسیار حرفه دشواری است. دقت فراوان می‌خواهد. اینکه شما را رکورد نقش‌تان را در یک سریال نگه دارید، یکی از سخت‌ترین کارهای دنیاست. من اوایل به بازیگری فکر نمی‌کردم چون دغدغه فیلمسازی داشتم. دوست داشتم فیلمساز شوم. شاید شیرینی کار با مهران مدیری خیلی لذت‌بخش است و جدای از همکاری‌ام با سروش صحت در «بُزمان»، با مهدی کرم‌پور در سریال «سال‌های ابری» هم کار کردم و بعدش هم که سریال «در حاشیه» را بازی کردم. هر سه اینها در کارشان درجه یک هستند.

بازی در مجموعه «شوخی کردم» بروم. به محض اینکه وارد شدم، نقش سختی به من سپردند. نقش کسی را باید بازی می‌کردم که مسئول مشکلات جوانان بود و در گفت‌وگوی ویژه خبری با او مصاحبه می‌شد. این آیتم هشت تا ۹ دقیقه‌ای بود. با گریم سنگینی باید نقشی را بازی می‌کردم که تقریباً ۲۰ تا ۳۰ سال از خودم بزرگ‌تر بود. اولش برایم دشوار بود.

آن زمان که شما این متن را خواندید، عکس‌العمل‌تان چه بود؟ وقتی متن را خواندم، جا خوردم و گفتم چقدر سریع من باید این نقش را بازی کنم. البته قبیلش مهران مدیری به من پیشنهاد بازی داده بودند. رفتم تست دادم. گریم شدم و قرارداد بستم. بعدش هم پیمان قاسم‌خانی به همراه بُزمان جمشیدی به من زنگ زدند.

و گفتند برای سریال «بُزمان» یک کاراکتری دارند که از روی شخصیت من نوشته شده است و با نام واقعی خودم باید آن را بازی کنم. این ماجرا برمی‌گردد به قبل از اینکه «شوخی کردم» پخش شود. در دو قسمت، میهمان سروش صحت، محراب و پیمان قاسم‌خانی بودم. در این سریال اولین‌باری بود که از مردم بازتاب گرفتم. مردم خیلی به من لطف داشتند. بعدش رفتم به سمت «شوخی کردم» و ماجرا یک مقدار فرق کرد. چون کار خیلی جدی‌تر از اینها بود. در واقع همه بازیگران کردن کلفت‌های

کشیده‌اند.

هیچ‌کس نمی‌دانست که من پیشینه ساخت فیلم دارم



من درس فیلمسازی خوانده‌ام و از سن خیلی پایین حدود پانزده سالگی شروع به فیلمسازی کردم. هشت فیلم کوتاه ساختم و پنج فیلم نیمه‌بلند بسالای پنجاه دقیقه و چون علاقه زیادی به موسیقی داشتم، هم‌زمان تهیه‌کنندگی موسیقی هم انجام دادم. وقتی ۲۱ سالم بود تقریباً در بازار موسیقی و سینما با همه رفیق بودم. چون خیلی از سن پایین شروع کرده بودم، تا حدودی همه را می‌شناختم. تهیه‌کنندگی‌ام در بازار موسیقی برچسته شد. چون از ابتدایی که موسیقی پاپ راه افتاد، کارهای زیادی را انجام دادم. این امر باعث شد بعد تهیه‌کنندگی موزیک من خیلی برچسته شود. همه من را به عنوان یک تهیه‌کننده می‌شناختند، هیچ‌کس نمی‌دانست که من پیشینه ساخت فیلم دارم و

بازگر شده‌ام، درست فکر می‌کنند ولی قبیلش هم یک پیشینه سینما داشته‌ام.

شخصیت شروین در سریال «در حاشیه» چقدر برای شما محبوبیت آورد؟

مردم به بازیگرهای کمدی بیشتر علاقه دارند، چون با آنها می‌خندند. به من می‌گویند که مثلاً مادرشان ۷۵ سالش است و دیسب از دست شما از خنده غش کرده بود. این حس بسیار خوب است چون نشان می‌دهد تو توانسته‌ای در لحظاتی کنار خانواده آنها و خدمتگزارشان باشی و دل‌شان را شاد کنی. این خیلی مهم است. به این دلیل مردم، بازیگران کمدی را بیشتر دوست دارند. زیرا خانواده‌شان و خودشان لحظات خوبی را سپری کرده‌اند و اصولاً بازیگران کمدی محبوب‌ترند.

شخصیت شما در سریال «در حاشیه» نماینده چند درصد از وکلا می‌تواند باشد و نظر خودت راجع به این شخصیت چه بود؟

دوست ندارم وارد بحث‌های حاشیه‌ای شوم. باید عموم جامعه را ببینیم و فقط یک صنف را ببینیم. اصولاً با این موافقم که بشود با همه شوخی کرد یعنی امیدوارم روزی جامعه ما به جایی برسد که مابتنایم با همه شوخی کنیم. شش‌روین بیشتر کار چاق‌کن است و حتی جایی می‌گویند من اصلاً وکیل نیستم. من مریض‌یابی خوانده‌ام و از ارتباط‌اتم استفاده کرده‌ام. اینکه چقدر از این آدم‌ها در جامعه می‌بینیم را مردم باید بگویند ولی من خودم از این گونه آدم‌ها در جامعه زیاد دیده‌ام. نمی‌توانم برایش درصد مشخص کنم ولی وجود دارند.

شخصیت رودرویی شما در سریال چقدر در بازی‌تان موثر بود؟

من بیشتر با مهران مدیری در ارتباط بودم. برای من خیلی لذت‌بخش بود. شاید جلوی مهران مهران مدیری بازی کردن به دلیل شخصیت کاریزماتیک که دارد، سخت باشد زیرا بازی جلوی او، اعتمادبه‌نفس بالایی می‌خواهد.

شما هم در شبکه خانگی کار کرده‌اید و هم در تلویزیون. فرق این دو برای بازیگر چیست؟

تلویزیون نسبت به شبکه خانگی مخاطب زیادی دارد. «شوخی کردم» بسیار سریال خوبی بود ولی مخاطب کمتری داشت. کلیپ‌های ما از طریق واتس‌اپ و وایبر بین مردم جابه‌جا می‌شد تا از طریق خرید دی‌وی‌دی. ولسی تلویزیون رسانه ملی است. بحث مهران مدیری هم که باشد، همه آن را می‌بینند.

چه آلبوم‌های جدیدی در راه دارید؟

۲۰ اردیبهشت اولین مجموعه آلبوم تصویری رضا یزدانی را به بازار می‌دهیم که ۱۲ ویدئو کلیپ است که یک اتفاق در بازار موسیقی امروز به شمار می‌رود. ۳۱ اردیبهشت هم در تهران کنسرت داریم و تور شهرستان‌ها، اروپا و آمریکای او هم به زودی آغاز می‌شود. اخیراً آلبوم استاد محمدعلی بهمنی از من منتشر شده است به اسم تنفس آزاد که آن هم به لحاظ ادبی یک اتفاق بود. آلبوم‌های چند نفر از بازیگران هم در راه است. ازجمله آلبوم بُزمان جمشیدی به اسم «بازده» که دو ماه روی آن کار کرده و از بزرگان موسیقی پاپ استفاده کردیم. مجوز آلبوم محمدرضا هدایتی را نیز گرفته‌ایم و به‌زودی منتشر می‌شود. آلبوم برزو ارجمند و یک خواننده جوان هم به نام رضا سورتیچی مجوز گرفته که امیدوارم مردم خوش‌شان بیاید.

ویژه

آلبوم باران با صدای اداک تلفیق راک و پاپ ایرانی در فضای موسیقی سنتی



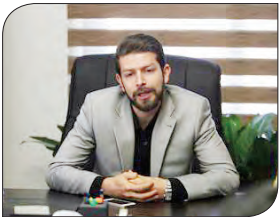
آلبوم باران اولین تجربه موسیقایی یاور جمشیدزاده ملقب به اداک نقاش هنرمند و چیره‌دست کشورمان اول خرداد در سراسر ایران در دسترس علاقه‌مندان خواهد بود. اداک در مورد سبک اولین آلبومش، باران می‌گوید: «این شاید نخستین آلبومی باشد که دو سبک راک و پاپ را در فضای موسیقی سنتی آماده ارائه به بازار موسیقی پاپ کشور کرده است. اداک از دیگر ویژگی‌های این

آلبوم به بازخوانی ترانه مشهور صدایم کن فرامرز اصلانی در تیراک اول این آلبوم اشاره می‌کند. یاور جمشیدزاده همچنین با اشاره به مشکلات بسیاری که در تهیه این آلبوم متحمل آن شد و چهار سال وقت او را گرفت، متذکر شد بلافاصله پس از پخش سراسری آلبوم باران به مدیریت مدیرپخش توانای موسیقی کشورمان، کورش کبیری آلبوم دوم خود را با ترانه‌هایی از قیصر امین‌پور، شاعر نام‌آشنای کشورمان آماده پخش در بازار دارم. اداک درمورد ویژگی‌های این آلبوم افزود: «من این آلبوم را بر اساس علائق خودم آماده و سعی کردم با تنظیم‌کننده‌هایی کار کنم که با روحیه‌ام هماهنگ باشند». وی در ادامه افزود: «کار موسیقی در کشور ما عشقی می‌خواهد، چراکه مطمئنم این آلبوم که تا به حال بیش از صد میلیون

هزینه ساخت آن شده هیچ بازده مالی حتی یک ریال هم ندارد و فقط عشق می‌خواهد و بس». اداک شغل اصلی خود را نقاشی معرفی کرد و موسیقی را در کنار نقاشی به‌عنوان یک دغدغه و علاقه‌ادامه می‌دهد. با توجه به بازخوانی زیبای ترانه اشعار کن فرامرز اصلانی و برخورداری از اشعار شعری بزرگی چون فروغ فرخزاد و اخوان‌ثالث در سبکی نو و جدید از خلا می‌توان برای آلبوم باران توفیق قابل ملاحظه‌ای در بازار موسیقی پاپ کشور تصور کرد.

اتفاق تازه دنیای پاپ

«بیراهه‌ها» با صدای شاهین خالیدی



آلبوم بیراهه‌ها با صدای خواننده جوان و خوش صدای کشورمان، شاهین خالیدی آماده پخش در بازار است. شاهین خالیدی پس از پنج سال انتظار با بیراهه‌ها به جمع صداهای نو و خوش‌آهه موسیقی پاپ کشورمان پیوست. عنوان آلبوم بر اساس یکی از ترک‌های آلبوم - تراک ششم - برگزیده شده است، شاهین خالیدی، فوق‌تالیست سابق تیم سایپا و مهندس معمار امروز با آلبوم بیراهه‌ها قطعاً فروهای بسیاری برای

درخشش در آسمان پرستاره موسیقی پاپ کشور خواهد داشت. خالیدی در گفت‌وگویی در مورد مشخصات این آلبوم گفت: «به موفقیت آلبوم بیراهه‌ها با توجه به برخورداری از مدیر پخش موفق و مطمئنی چون کورش کبیری بسیار امیدوارم. البته سهم آقای نابیی در اتمام این آلبوم فراموش ناشدنی است. البته دوست عزیزم آرش پاکزاد، بابک مافی و امیر بهادر در تنظیم ملودی‌های این آلبوم نقش به‌سزایی داشتند». خالیدی در مورد فضای غالب بر آلبوم بیراهه‌ها افزود: «تم اسلو آرام که خودم به شدت این تم را می‌پسندم در فضای این آلبوم به چشم می‌آید. در مورد کیفیت کار هم باید اضافه کنم تا حدود قابل قبولی خوب شده هرچند تا ایده‌آل‌هایم فاصله دارد ولی سعی کردم در بیراهه‌ها جای صدای خودم بخوانم و به موفقیت این کار سخت خوش‌بینم.»